هنرمندان کمک شود.

به باور طاهری، جایگاه یک جشنواره را داوران آن و جوایزش مشخص می کنند. جشنواره فجر هم که ۳۹ دوره از برگزاری‌اش می گذرد جشنواره کمی نیست اما هیچ ملاک و معیاری برای جوایزش ندارد.

این هنرمند می‌گوید: من نمی خواهم زحمات دبیر جشنواره و داوران را کتمان کنم، من به نظام کلی جشنواره فجر اعتراض دارم و فکر می کنم مسئولان باید برای هرچه بالاتر بردن شأن این جشنواره که جایزه فجر انقلاب است تلاش و از هنرمندان حمایت کنند.

نبود شور و حال همیشگی

طاهری همچنین درباره تفاوت های جشنواره امسال با دیگر دوره ها می گوید: جشنواره امسال را نمی توانیم با هیچ دوره دیگری مقایسه کنم مخصوصا از نظر کیفیت آثار. علاوه بر این جشنواره امسال آن شور و حال همیشگی را نداشت و از صف بستن برای تماشای آثار خبری نبود.

> جشنواره امسال را نمی‌توان با هیچ دوره دیگری مقایسه کرد مخصوصا از نظر کیفیت آثار. علاوه بر این جشنواره امسال آن شور و حال همیشگی را نداشت و از صف بستن برای تماشای آثار خبری نبود

به گفته او، اساس تئاتر بر پایه جمع و دیالوگ بنا شده است اینکه تعدادی یک طرف بنشینند و تعدادی یک طرف دیگر و باهم حرف بزنند. اما تمام این ها به دلیل کرونا زیر سؤال رفت و نمایش ها در سالن‌های خالی از تماشاگر یا با تماشاگر کم اجرا شدند.

این هنرمند تأکید می کند: هر نوع نمایشی از کمدی گرفته تا تراژدی نیاز به حضور مخاطب دارد و این تماشاگر است که به نمایش رنگ و جلا می دهد. اجرا در این شرایط برای خود من تجربه عجیبی بود.

او که ترجیح می دهد درباره کیفیت آثار جشنواره صحبت نکند یادآور می شود: موضوعی که در جشنواره امسال ما را آزار داد همین نبود تماشاگر و از بین رفتن دیالوگ بین هنرمند و مخاطب بود.

نیاز به غذای روح

طاهری که بر این باور است کرونا بیش از هرچیزی در ایران به تئاتر لطمه زده است، نظرش درباره برگزاری جشنواره امسال را این گونه بیان می کند: نمی‌شود یک فعالیت هنری را تعطیل کرد و از بین برد. در طول این یک سال، فعالیت های تئاتری در کشور به تمامی تعطیل شده بود و جشنواره جان تازه ای به تئاتر داد تا همچنان در جریان باشد. همچنین به واسطه برگزاری جشنواره چندین هزار نفر کار کردند و هنرمندان از سرخوردگی خارج شدند.

به نظر او، همه چیز معیشت نیست و انسان نیاز به غذای روح هم دارد. غذای روح هنرمند هم در کار و فعالیت معنا می‌شود.

این هنرمند درباره نحوه برگزاری سی ونهمین دوره جشنواره تئاتر فجر هم یادآور می‌شود: برگزارکنندگان امسال با یک شرایط به شدت سخت روبه‌رو بودند آن ها نمی دانستند می شود جشنواره را برگزار کرد یا نه. اگر هم بتوان برگزار کرد چطور باید باشد که دوستان و دشمنان خوششان بیاد. اما در مجموع به نظر من برای سال اول، تجربه خاص و خوبی برای برگزارکنندگان جشنواره بود و من بر ضدش حرف نمی‌زنم چون نمی‌دانم اگر کسی مثل من مسئول بود باید چطور رفتار می کرد.

طاهری همچنین گوشزد می‌کند: من آینده تئاتر را به شدت افتضاح می بینم و هیچ آینده خوبی را برایش متصور نیستم. فکر می کنم تئاتر ما نیازمند مدیریتی بسیار قدرتمند است، مدیریتی که تا حالا انجام نشده‌است.

به باور او تئاتر کشور پیش از این رو به افول بوده و جریان کرونا هم بدتر آن را به سمت افول کشانده است. اکنون برای جان گرفتن آن نیاز به یک رستم دستان است. این بازیگر یادآور می شود: مدیریت تئاتر باید یک تکان جدی بخورد. ما برای این روزها هیچ برنامه ریزی نداریم و در لحظه تصمیم می گیریم. الان هم همه منتظرند تا ببینند شرایط بعد از کرونا چه می شود اما من به عنوان کسی که تجربه اندکی دارم فکر می کنم هیچ اتفاقی برای تئاتر نخواهد افتاد.

طاهری که پیش از جشنواره امسال، دو جایزه اول بازیگری را در دو بخش جشنواره سی ودوم فجر و یک جایزه کارگردانی را از جشنواره سی وسوم فجر هم کسب کرده بود درباره برنامه های آینده‌اش نیز توضیح می دهد: این روزها مشغول بازی در سریال «طلاق» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی هستم همچنین شاید نمایش «بیماری خانواده میم» را کارگردانی کنم که نمایشنامه اش به قلم یک نویسنده ایتالیایی است.

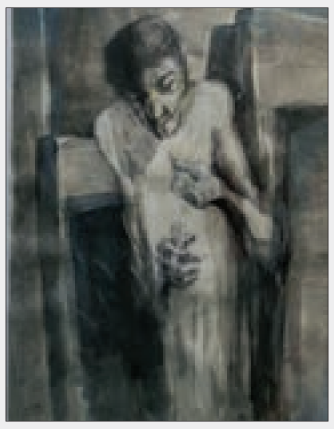

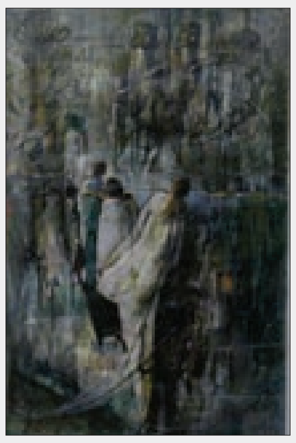

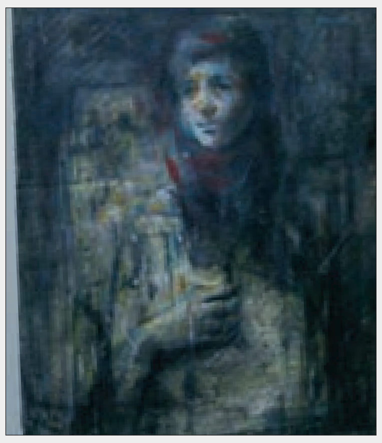

و آبرنگ روی مقوا، آثاری را خلق کرده که پر از جزئیات دقیقی است که فقط در طراحی روی مقوا می توان به آن ها رسید. کمپوزیسیون و ترکیب بندی با وسواس فراوان رعایت شده و هر خطی هدفی را دنبال می کند. خط هایی که بعضی با روان نویس، قلم مو، پاستیل و یا مداد کشیده شده‌اند و در خدمت کلیت اثر هستند. در تمام آثار هنرمند می توان احساس کرد که خودش آن پس وپیله ها نشسته است و دارد مخاطب را نگاه می کند. نمایشگاهی که من را ذوق‌زده کرد. به تته پته افتادم و با شوق جلوی هر تابلو این پا و آن پا می کردم. وقتی کسی حرف می‌زد، صدایش را از دوردست می شنیدم و ذوق‌زده نگاهش می کردم و بدون اینکه فهمیده باشم چه می گوید فقط سرم را تکان می‌دادم.

قیمت آثار هم در این ضیافت تماشا بسیار نازل است.

آن قدر ارزان که مخاطبان شکایت می کردند: «نکند اصل نباشند!» دلیل این ارزانی را از خود هنرمند پرسیدم و جوابی داد که این روزها کمتر می شنویم. حداکثر چندباری در این صفحه خودم گفته باشم. «اوضاع اقتصادی خوب نیست. گفتم ارزان باشد تا آن‌هایی که توان مالی ندارند و هنر را دوست دارند بتوانند اثر هنری بخرند. می خواستم به مردم هدیه‌ای بدهم!» محمدحسن مالدار، هنرمندی متواضع و مهربان است که نمی شود او را دوست نداشت. با این همه تعریف از این نمایشگاه می شود گفت یک مهمانی بی‌نقص در «نگارخانه آذرنور» برپاست. شما هم دعوت دارید. حتما بروید.

نگاهی به «دیدن این فیلم جرم است»، اثر رضا زهتابچیان

بستگی دارد ...

محمد عنبرسوز

زندگی با سینما

اکران «دیدن این فیلم جرم است» به نوعی پایان‌بخش اکران عمومی آثار حاضر در جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر بود و پرونده این رویداد را، پس از نزدیک به دو سال، برای مردم و مخاطبان سینمای ایران بست. فیلم رضا زهتابچیان، کارگردان مشهدی سینمای ایران که سال‌ها برای تولید و اکران اولین اثر بلند سینمایی خود تلاش کرده، قبل از جشنواره فیلم فجر اکرانش را شروع کرد و حالا با پایان این رویداد سینمایی، دوباره به یکی از فیلم‌های اصلی چرخه اکران تبدیل شده تا بخش عمده‌ای از بار این روزهای سرد و کم‌رونق سینما را به دوش بکشد.

«دیدن این فیلم جرم است» در چند سینمای اصلی شهر مشهد در حال اکران است که با استقبال چشمگیر مردم همراه شده؛ به‌ویژه از این نظر که یک شخصیت مشهدی در فیلم هست و حضور چند بازیگر مشهدی و کارگردان آن برای مردم شهر جالب است. فارغ از اینکه چقدر «دیدن این فیلم جرم است» را دوست داشته باشیم، چنان‌که از شیوه و شرایط اکران فیلم هم روشن است، با یک اثر پرچالش و جنجالی طرفیم. صحبت از اثری است که همه چیزش عجیب بوده؛ از پروانه ساخت و مراحل تولیدش گرفته تا رسیدنش به جشنواره، اکران عمومی با چاشنی شکستن رکورد تماشاگر در شرایط کرونا و حتی بیرون آمدن نسخه بازبینی جشنواره تقریبا هم‌زمان با آغاز اکران عمومی. با این همه، «دیدن این فیلم جرم است» یک اثر تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد که فقط بستگی دارد آن را از چه زاویه‌ای بررسی کنیم.

> دیدن این فیلم جرم است»، علاوه بر اجرای استاندارد مهدی زمین‌پرداز در مقام نقش اصلی و بازی اثرگذار امیر آقایی که نشان می‌دهد در دوران بلوغ و اوج خود در بازیگری قرار دارد، از نظر بالفعل کردن ظرفیت‌های موجود هم کیفیت خوبی از خود به نمایش می‌گذارد

غلبه شعارهای سیاسی

بی‌شک می‌دانید که مهم‌ترین چالش پیش روی «دیدن این فیلم جرم است» به محتوای سیاسی آن بازمی‌گردد که به دلیل پرهیز از لو رفتن داستان، از ارائه جزئیاتش معذوریم. اگر بپذیریم که ایده فیلم در میانه‌های دهه هشتاد، یا به هر ترتیب قبل از سال ۹۲، در ذهن سازنده‌اش شکل گرفته (که احتمال بی‌ربطی نیست و طبیعی به نظر می‌رسد که تولید اثری با این حجم از حساسیت تا رسیدن به اکران عمومی نزدیک به یک دهه زمان ببرد)، در این صورت می‌توان گفت که برداشت‌های امروزی از فیلم درباره دولت مستقر یا دوگانه مذاکره و مقاومت یا هر چیز دیگری از این دست، نامعقول است. هرچند نمی‌توانیم انکار کنیم که برخی برش‌های گل‌درشت فیلم و دیالوگ‌های شعاری گنجانده شده در متن آن هم بر شیپور این خوانش سیاسی دامن می‌زنند که از این منظر فیلم‌ساز باید مسئولیت کارش را بر عهده بگیرد.

با این حال، یک مغالطه زیرپوستی در شیوه تحلیل فیلم وجود دارد که برای تشریحش باید قدری از هیجانات فضای دوقطبی کنونی فاصله بگیریم. موضوع از این قرار است که عوامل «دیدن این فیلم جرم است» بیش از هر چیز دیگری اقبال عمومی و بازخوردهای مثبت مردمی را پشتوانه خود می‌دانند و برای اثبات ارزش‌های فیلمشان به این امر اتکا می کنند. واقعیت هم این است که اثر رضا زهتابچیان فیلم پرکشش و همراه‌کننده‌ای از آب درآمده؛ اما از سوی دیگر، درست به همین اندازه روشن است که اگر این سوءتفاهم‌های سیاسی وجود نداشت، شاید امروز مردم تا این حد به فیلم واکنش مثبت یا منفی نشان نمی‌دادند.

«دیدن این فیلم جرم است» ناخودآگاه بخشی از دیده شدنش را باید مدیون وقایع چند سال اخیر و صف‌کشی دیدگاه‌های سیاسی در دو جبهه باشد. زیرا اگر این فیلم مثلا در اواخر دهه هشتاد تولید می‌شد، گرچه ممکن بود تا این حد درگیر توقیف و ممانعت از صدور مجوز و دیگر مشکلات ناشی از محتوای تندش نشود، اما شاید نمی‌توانست، با چنین میزانی از تأثیرگذاری، در قالب حرف دل طیف وسیعی از مردم فرو برود. در شرایط اجتماعی و سیاسی امروز، «دیدن این فیلم جرم است» با وجود نگاه‌های منفی، از منظر جذب اقبال عمومی برای کلیت اثر خوش‌یمن بوده است.

فرامتن

کسانی که آشنایی مختصری با شرایط سینمای ایران، نهادهای دخیل در آن و نگاه‌های تعیین‌کننده در تولید آثار جدی سینمایی دارند، به خوبی می‌دانند که حرف‌های عوامل فیلم «دیدن این فیلم جرم است» که از سوی برخی گروه‌ها مظلوم‌نمایی تلقی می‌شود، مطابق با واقع است.

ما نمی‌توانیم انکار کنیم که این فیلم با موانع جدی در مسیر اکرانش روبه‌رو بوده و چه بسا بی‌مهری‌های زیادی را تجربه کرده است. با این حال، اگر ماجرا را در برش تاریخی یک‌دهه اخیر و در سطح فرامتن تفسیر کنیم، یعنی اگر به جای پرداختن به خود فیلم و محتوایش گوشه‌چشمی هم به مناسبات حاکم بر سینمای ایران داشته باشیم، احتمالا تصدیق خواهیم کرد که بذر این کارشکنی و اعمال نظرهای سلیقه‌ای را خود تولیدکننده «دیدن این فیلم جرم است» کاشته است.

صحبت از حوزه هنری است؛ مجموعه درخور احترامی که هرچند بارها مبادرت به تولید آثار ارزشمند سینمایی کرده که شاید کمتر نهادی ممکن بود پای آن‌ها بایستد، اما در سال‌های اخیر چند بار هم، با یک جور سخت‌گیری غیر قابل دفاع و با دلایل واهی، سالن‌هایش را از برخی آثار دارای مجوز دریغ کرده یا به نوعی از حمایت آثار غیرهمسو با تفکرات خودش طفره رفته است. بنابراین تردیدی نیست که زهتابچیان و شفاه، در مقام کارگردان و تهیه‌کننده «دیدن این فیلم جرم است»، در این مورد تقصیری ندارند و حتی شاید بتوانیم بگوییم که مظلوم هم واقع شده‌اند؛ اما وضعیت موجود سابقه‌ای مفصل دارد و این دوگانه حمایت و کارشکنی که در سال‌های اخیر باب شده، به نفع هیچ هنرمندی نخواهد بود. تضارب آرا زمانی می‌تواند به پیشرفت سینمای ایران کمک کند که حتی یک روزنامه‌نگار ساده هم اگر با اثری مخالف است، اعمال نگاه منصفانه را از یاد نبرد؛ نه اینکه یک مجموعه خاص سالن‌هایش را از برخی فیلم‌های غیر همسو و متفاوت دریغ کند و دیگر نهادها، با اقدامی تلافی‌جویانه، درصدد جبران رویکرد مورد بحث برآیند.

کیفیت اجرا و شاخصه‌های فنی

نگاهی به فعالیت منتقدان و نویسندگان سینمای ایران به‌وضوح نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از افراد صاحب‌نظر و قلم‌به‌دست در حوزه سینما، آثار یک سال سینمای ایران را در بازه کوتاه جشنواره فیلم فجر تماشا می‌کنند و در طول سال کمتر در سالن‌ها آفتابی می‌شوند. بیشتر کسانی که در روزهای اخیر از کیفیت فیلم «دیدن این فیلم جرم است» انتقاد کرده‌اند، گاف‌های فنی و اجرایی آن را در نظر دارند؛ در حالی که نسخه اکران عمومی به مراتب بهتر است و انبوهی از اشکالات فنی جشنواره در آن تصحیح شده است. البته نمی‌توان گفت که نسخه کنونی هم خالی از اشکال است، اما آن بدبینی شدیدی که گاهی در کلام اهالی رسانه موج می‌زند، با استناد به نسخه‌ای بوده است که به نخستین اکران‌های فیلم در جشنواره فجر مربوط می‌شده و در نسخه اکران عمومی تا حد زیادی اصلاح شده است.

بازیگری

نگاه کلی به ترکیب بازیگران و کیفیت اجراهای «دیدن این فیلم جرم است» به ما می گوید که این فیلم به لحاظ بازیگری جزو بهترین آثار سینمای ایران نیست و بسیاری از فیلم‌های هم‌رده در این زمینه از فیلم رضا زهتابچیان قدرتمندتر ظاهر شده‌اند. اما این اثر، از نظر میدان دادن به گروهی از بازیگران غیرچهره یا هنرپیشه‌های مستعد از یک‌سو و همچنین استفاده مناسب از ظرفیت‌های بازیگران باتجربه‌تر که شاید در سینما تا حدی به حاشیه رفته‌اند از سوی دیگر، عملکرد درخوری از خودش نشان می‌دهد. «دیدن این فیلم جرم است»، علاوه بر اجرای استاندارد مهدی زمین‌پرداز در مقام نقش اصلی و بازی اثرگذار امیر آقایی که نشان می‌دهد در دوران بلوغ و اوج خود در بازیگری قرار دارد، از نظر بالفعل کردن ظرفیت‌های موجود هم کیفیت خوبی از خود به نمایش می‌گذارد؛ بدین ترتیب که کارگردان موفق می‌شود از بیشتر بازیگرانش اجراهای استانداردی بگیرد و هم‌زمان نیم‌نگاهی هم به معرفی چهره‌های تازه به سینمای ایران داشته باشد.

اخبار

اثر مرحوم درپور نامزد جشنواره موسیقی فجر

شهرآرا نامزدهای جایزه «باربد» سی‌وششمین جشنواره موسیقی فجر در بخش رقابتی در چهارده بخش معرفی شدند.در بخش رقابتی سی‌وششمین جشنواره موسیقی فجر آلبوم‌هایی که از مهر ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ به دبیرخانه جشنواره رسیده است، از سوی هیئت انتخاب گروه‌ها و آثار جشنواره ارزیابی شد و کاندیداهای جایزه باربد در بخش‌های گوناگون این رویداد معرفی شدند. که در بخش خوانندگی موسیقی نواحی، هنرمند فقید خراسانی «نورمحمد درپور» برای آلبوم «دردانه» جزو برگزیدگان بود. این آلبوم موسیقی که اسفند ۹۶ روانه بازار موسیقی شده دارای ۶ داستان عرفانی به نقل از این هنرمند است.

خداحافظی معتمدی با ارکسترهای دولتی

شهرآرا محمد معتمدی خواننده موسیقی ایرانی با انتشار متنی انتقادی در صفحه شخصی‌اش از خداحافظی خود با ارکسترهای دولتی خبر داد. در متن منتشر شده از سوی محمد معتمدی آمده است: «در سال‌های گذشته اجراهای متعددی با ارکستر موسیقی ملی ایران داشته‌ام. ولی با وجود علاقه‌ای که از همان ابتدا به ضبط این اجراها داشتم، متأسفانه حتی یک دقیقه فایل باکیفیت تصویری و یا حتی صوتی از این اجراها وجود ندارد. چند سال پیش که برای اجرای کنسرتی به ارکستر ملی دعوت شده بودم این دعوت را به شرطی پذیرفتم که اجرا را با هزینه شخصی فیلمبرداری کنم و در اختیار مخاطبانم قرار دهم. اما روز قبل از اجرا مدیر وقت ارکسترها با من تماس گرفتند و گفتند که با ضبط اجرا موافقت نشده! بنده هرگز متوجه نشدم چه کسی موافق نبوده و چرا؟! و اینکه چرا نباید از این‌همه کنسرتی که در سال‌های اخیر با ارکستر ملی داشته‌ام یک ویدئو، حتی به هزینه خودم در اختیار جامعه باشد.

به هر روی امروز و در دهه پنجم عمرم شاید صلاح بر این باشد تا از اجرا با ارکسترهای دولتی، بدون داشتن هیچ‌گونه حق و حقوق و بیمه و سنوات برای خودم اعلام بازنشستگی کنم و این عرصه را به جوان‌ترها واگذار کنم.»

برپایی «ده دستان» در هنرخانه درخت

شهرآرا نمایشگاه گروهی هنرهای دستی «ده دستان» در هنرخانه درخت از فردا دایر می‌شود. این نمایشگاه از دوشنبه، چهارم اسفند آغاز می‌شود و تا چهارشنبه همین هفته ادامه دارد.آثار هنری سپیده و سحر پرهیزکار، هستی پورافخمی، صادق و علی توانا، نگار حبیبیان، امیرحسین ژیانی، علی سراوانی، فریده سهراب‌نیا، مصطفی طاهری، شیوا محمدی، شیرین محمدی و هدیه وثیق‌مقدم در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده است.علاقه‌مندان به تماشای هنرهای دستی می‌توانند در روزهای یادشده از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به هنرخانه درخت واقع در هاشمیه ۲۷ (سامانیه ۲۴)، پلاک ۱۴ مراجعه کنند.

نمایشگاه «سروش رنگ‌ها» برگزار می‌شود

شهرآرا نمایشگاه نقاشی «سروش رنگ‌ها» با آثاری از محسن امیدخدا در نگارخانه امید برگزار می‌شود.این نمایشگاه ساعت ۱۱ پنجم اسفند به مناسبت روزمهندس (بزرگداشت حکیم خواجه نصیر طوسی) پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود. نگارخانه امید در مجتمع زیست‌خاور طبقه ۱+است.

۴ رمان، نامزد جایزه جشنواره ادبی غنی‌پور

شهرآرا نامزدهای بخش رمان بزرگ‌سال جشنواره ادبی شهید حبیب غنی‌پور معرفی شدند.بنا بر اعلام دبیر جشنواره، محمد ناصری، داوران این بخش چهار اثر را به‌عنوان نامزدهای نهایی بخش رمان بزرگ‌سال بیستمین جشنواره ادبی شهید حبیب غنی پور انتخاب کردند. «با اعمال شاقه» نوشته محمد حنیف، «عروس قریش» نوشته مریم بصیری، «به فردا فکر نمی کنم» اثر مرسده کسروی و «ستاره‌ها هم می‌میرند» نوشته نرگس فرجادامین، آثار منتخب هستند.

جشنواره شهید حبیب غنی پور، کوششی است برای ارج گذاشتن و معرفی تنها نویسنده‌ای که ماندگارترین اثرش را در جبهه‌های دفاع مقدس نگاشت. ازجمله آثار شهید حبیب غنی پور که در شب دهم اسفند ۱۳۶۵، در ادامه عملیات کربلای پنج در خاک شلمچه به شهادت رسید می توان به؛ داستان زال و رودابه، نگاهی به زندگی جلال آل احمد، بازنویسی چند داستان از کلیله‌ودمنه، اشاره کرد.